گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۳۶۴۲
شنبه ۳ مهر ۱۴۰۰ ۱۱:۳۷

اولین خلبان شهید روزهای جنگ

شهید خالد حیدری در نخستین روز از شروع رسمی جنگ تحمیلی، هواپیمایش در جریان عملیات «انتقام» مورد اصابت موشک قرار گرفت و سقوط کرد. سال‌ها هیچ خبری از پیکر شهید نبود و کسی اطلاعی از سرنوشت او نداشت. تا اینکه پیکر شهید در سال ۱۳۹۱ در یک قبرستان در شهر کوت پیدا و طی مراسمی به ایران بازگردانده شد. پیکر شهید حیدری پس از مراسمی باشکوه به مهاباد منتقل شد و در زادگاهش آرام گرفت.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، روزنامه «جوان» در ادامه نوشت: شهید حیدری زمانی پا به جبهه گذاشت که دختری دو ماهه در خانه داشت. قطعاً رفتن و دل‌کندن از فرزند سخت‌ترین کار دنیا برای یک پدر است اما شهید در روز ۳۱ شهریور نتوانست نسبت به آنچه در کشورش اتفاق می‌افتاد بی‌تفاوت باشد. او در نخستین روز جنگ تحمیلی لباس رزم به تن کرد و به نبرد با دشمن متجاوز رفت.

دختر شهید آن روزها آنقدر کوچک بود که خاطره‌ای از پدر نداشته باشد. هرچند پدرش در سال‌های آینده در کنارش نبود ولی مادر مثل کوه در کنار دخترش ماند و روایتگر روزهای دلاوری همسرش شد. مادر بارها ماجرای رفتن پدر به جنگ را برای دخترش بازگو کرده بود و دیگر طلا حیدری می‌دانست پدر تحت چه شرایطی عازم جبهه‌های نبرد شده است.

همسر شهید خاطره رفتن شهید خالد حیدری به جبهه را برای دخترشان چنین بیان می‌کند: «من و پدرت در خانه سر سفره غذا نشسته بودیم که ناگهان خبر حمله عراقی‌ها به گوشش رسید. از پنجره اتاق بیرون را نگاه کرد و مضطرب و با عجله وسایلش را برداشت. آن روز مرخصی داشت اما مرخصی‌اش را لغو کرد و راهی شد. آن زمان ما در پایگاه سوم شکاری نوژه همدان بودیم. من مخالفت کردم و از پدرت خواستم در کنارمان بماند اما او با حرف‌هایش من را قانع کرد و گفت من می‌روم شاید برگشتنی نباشد، نزد مادرم برو، اینجا برایت امن نیست.»

مادر به خواست پدر، تکه‌ای از موهای دخترش را قیچی می‌کند و به او می‌دهد و پدر مو را کنار عکسی از دخترش می‌گذارد و راهی می‌شود. حتماً در آن روزهای سخت، شهید حیدری آخرین چیزی که بوییده موی دخترش بوده و آخرین تصویری که دیده عکس نوزاد دردانه‌اش بوده است. این خلبان شجاع پر از شوق بازگشت به خانه و در آغوش‌کشیدن فرزندش بوده ولی مأموریت دفاع از میهن را بر هر چیزی ترجیح داده و تمام‌قد به دفاع از کشورش پرداخته است.

عملیات چریکی هوایی «انتقام» ساعت ۱۴ روز ۳۱ شهریور ۵۹ به فاصله دو ساعت پس از حمله هوایی عراق به پایگاه یکم هوایی تاکتیکال نیروی هوایی تهران در فرودگاه مهرآباد در پاسخ به تهاجم دشمن با بمباران دو پایگاه هوایی عراق به منظور اثبات فعال‌بودن نیروی هوایی ایران به استراتژیست‌های آنها انجام گرفت. این خلبانان برای انجام این مأموریت حتی حکم هم نداشتند و مسئولیت این امر خطیر را داوطلبانه برعهده گرفتند.

با اینکه شهید خالد حیدری از خلبانان برجسته اهل تسنن بود اما ارادت زیادی به اهل بیت بویژه امام حسین (ع) و امام رضا (ع) داشت. دوستانش او را به صداقت و وطن‌پرستی می‌شناسند. دوستانش تعریف می‌کنند که خالد در روز شهادت به همراه کابین جلوی خود شهید صالحی بر فراز آسمان به پرواز درآمدند و مأموریتشان بمباران پایگاه هوایی کوت در العماره، مرکز استان میسان عراق بود. هواپیمای شهیدان خالد حیدری و صالحی برای اینکه رادار دشمن آنها را نشان ندهد، پایین می‌آید و با کابل‌های برق برخورد و با سرعت بالای خود، در رودخانه دجله سقوط می‌کند و به همراه همرزمش محمد صالحی به شهادت می‌رسد.